**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر الواحد**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه سی ام\_19آذر 1397**

در آیه کریمه نباء در خصوص کلمۀ جهالت دو احتمال است، یکی این که مراد از جهالت، مقابل علم باشد، یکی این که مراد از جهالت مقابل عقل و درایت باشد، که جهالت می شود سفاهت.

مرحوم محقق نائینی و تلمیذ محققشان آقای خویی رحمة الله علیهما معتقد هستند که جهالت در آیه به معنای سفاهت است. محقق عراقی اعلی الله مقامه الشریف معتقد اند که جهالت همان معنای مقابل علم را دارد با بیانی که خواهد آمد. بین همه این آقایان یک بحثی مطرح است و آن این است که با تعارض این تعلیل آیه نسبت به مفهوم آیه چه کنیم؟

یک نظر این است که هم مفهوم شرط آیه، هم مفهوم وصف بنابر مفهوم وصف، و هم مفهوم تعلیل یک چیز را می گویند و هیچ درگیری بین مفهوم شرط با تعلیل نیست. منطوق آیه می گوید اگر فاسق خبر آورد تبین کنید، مفهوم شرط می گوید اگر عادل خبر آورد تبین نکنید، تعلیل هم می گوید خبر عادل احتیاج به تبین ندارد، تبین مال آن جایی است که ان تصیبوا قوما بجهالة. و جهل یعنی السفاهة در خبر عادل این سفاهت نیست. پس هیچ درگیری با همدیگر ندارند.

نظر دیگر این است که جهالت به معنای ضد علم است، طبیعتا درگیری خواهد شد بین المفهوم و التعلیل، مفهوم می گوید خبر عادل تبین نمی خواهد، تعلیل می گوید هر چه که جهل است و علم نیست مُؤَمِن نیست، خبر واحد عادل هم علم آور نیست پس مُؤَمن نیست. ما باشیم و صدر آیه خبر عادل حجت می شود، ما باشیم و تعلیل آیه خبر عادل حجت نیست.

محقق نائینی در اینجا کاری که کرد این بود که جهالت را به معنای سفاهت گرفت و در عمل به خبر واحد اگر چه علم نیست اما سفاهت هم نیست. پس مفهوم آیه سالم از معارضه با تعلیل آیه است.

محقق سیستانی دامت برکاته تا نیمه راه با آقای نائینی و آقای خوئی همراه شد و آن این است که جهالت به معنای سفاهت است اما از این جا جدا می شود که کی گفته در خبر عادل غیر محفوف به قرینه سفاهت نیست و تبین لازم نیست؟ بله تبین ها با یکدیگر متفاوت است، تبین از خبر فاسق با تبینی که از خبر عادل غیر محفوف به قرینه می کنید فرق دارد.

محقق عراقی می گوید جهالت به معنای ضد علم است ولی در عین حال خبر عادل را نمی گیرد. پس کلام ایشان دو بخش دارد. بخش اول نظریه مرحوم محقق عراقی این مطلب را ایشان هم در تقریراتش در نهایة الافکار مشاهده کنید، که به قلم شیخ محمد تقی بروجردی است، و هم خود ایشان این حرف را در حاشیه فوائد الاصول دارد. فوائد الاصول تقریرات مرحوم نائینی برای دوره اول است. به قلم مرحوم کاظمی. مرحوم محقق عراقی که هم عصر محقق نائینی است به کتاب هم عصر خود حاشیه زده است.

اشکالا علی النائینی می فرماید ایشان که آقای نائینی من قبول ندارم جهالت در این آیه به معنای سفاهت باشد و دو قرینه هم می آورد:

قرینه اول؛ چون قبلش فرمود فتبینوا، باید بین این فتبینوا با این کلمه جهالت یک تناسبی باشد. تبین را معنا کنید تبین یعنی تعرف، شناختن، تبین یعنی تحصیل علم، یعنی تحصیل علم بکنید نه این که از تصیبوا قوما بجهالة. تبینوا یعنی علم پیدا کنید. مناسب تبینوا به معنای علم، این است که مراد از جهالت، جهالت مقابل علم باشد.

قرینه دوم؛ آیه ملامت را مطرح نکرده است بلکه ندامت را بیان کرده است. آن جایی که کسی عمل غیر عقلائی بکند سرزنش می شود، ان جایی که جاهلانه اقدام بکند، ندامت دارد، پشیمان می شود که ای کاش می رفتم تبین می کردم. پس آنچه مناسب است با ندامت جهالت است به معنای ضد علم، نه ملامت که در جهالت ضد عقل است. آیه فرمود فتصبحوا علی ما فعلتم نادمین.

پس آقای نائینی شما هیچ معنای محکمی ندارید که جهالت به معنای سفاهت باشد و من دو قرینه بر این آوردم که جهالت به معنای ضد علم است.

این بخش اول فرمایش آقا ضیا.

آقای سیستانی دامت برکاته به این بخش اول فرمایش محقق عراقی اشکال می کند. اما اینکه گفتید تبین با جهالت به معنای ضد علم سازگار است. تبین با هر دو سازگار است، برای اینکه از روی غیر دانش کاری انجام ندهید تبین کنید. برای اینکه کاری سفیهانه انجام ندهید علی غیر بصیرة نباشد، علی غیر تعقل نباشد مدار عقل عقل دهید تبینوا.

کی گفته است که تبین فقط با دانش سازگار دارد، تبین برای سفاهت هم هست.

حرف دوم که گفتید آیه ندامت را بیان کرده است نه ملامت. و ندامت با جهل در برابر علم سازگار است نه جهل در برابر عقل.

جناب محقق عراقی آیه ندامت را مترتب بر جهالت نکرده است، جهالت باعث شد، شما کاری بکنید که آن کار ندامت بیاورد، یعنی کاری کردید و به خبر این مخبر ترتیب اثر دادید، و آن ترتیب اثر دادنتان به خبر فاسق ندامت می آورد. علی ما فعلتم نادمین. نگفت در اثر جهل ندامت بلکه گفت در اثر آن فعل ندامت پیدا می کنید.

حال بر گردیم به فرمایش آقا ضیا:

در مورد اشکال که معارضه مفهوم با تعلیل آیه بود. بیان ایشان این است:

لکنَّ الانصاف انّه لا وقعة لهذا الاشکال فانّه بعد ان کان الندم فی الاحکام الشرعیه ملازماً للملامة و العقوبة پس در چنین جایی کان ذلک موجباً لاختصاص الندم فی الآیة بالندم الملازم مع اللوم و العقوبة.

این خلاصه حرف آقا ضیاء.

میخواهد بگوید اگر ما تاکید کنیم روی کلمه ندامت بما هی هی اشکال وارد بود ولی ندامتی که در احکام شرع مطرح است و اگر انجام ندهی پشیمان می شوی این ندامت یک رفیق همراه دارد که آن سرزنش، ملامت و عقوبت است. ندامت در آیه مبارکه به عبارت اخری ملازم للملامة و العقوبة الاخرویة.

اگر به خبر فاسق عمل کردم، خطا کردم، نه تنها ندامت دارم، ملامت هم دارم، پس فرقی نمی کند، چه بگوید ندامت که در آیه آمده است یا بگوید ملامت.

حال آیا در خبر واحد عادل عمل کردن ملامت هست،؟ نه. احتمال عقاب است؟ نه.

کانه آیه می گوید فتصبحوا علی ما فعلتم مالومین.

آقای سیستانی می فرماید:

مضافا لاشکالات گذشته، که همچنان که به خبر فاسق ندامت هست و احتمال ملامت در خبر عادل غیر محفوف به قرائن هم هست که گفته احتمال عقاب نیست؟ کی گفته است که ملامت در اینجا دیگر نیست؟ حال با غمض عین از آن حرفم، کی گفته که ندامت ملازم همیشگی اش ملامت است؟ هر انسانی می داند که قتل بشر بدون هیچ مجوزی جایز نیست، چه دیندار باشد، چه دیندار نباشد، برای همه ندامت هست، و لو احتمال عقاب نباشد. گاهی کسی پشیمان می شود از کاری که کرده است ولو کسی هم نباشد که او را ملامت کند.

پس ملازمه ایی بین الندامة و الملامة نیست.

اما سخن ما:

حرف اول آقای سیستانی را قبول می کنیم و آن این است که احتمال ندامت و ملامت هم در خبر فاسق است و هم در خبر عادل بلا محفوف به قرینه در مهمات از امور. مخصوصا با دور افتادن از عصر نص، با این همه دروغ ها و اشکالاتی که در میان روایات هست، قطعا قرینه می خواهیم.

اما اینکه ایشان تلازم را بین ندامت و ملامت به هم زد این را خود آقا ضیا هم قبول دارد. ایشان گفت در مطلق احکام شرعیه و موالی و عبید. یعنی آنجا که بحث مولایی است و بحث عبید. اینجا است که ما این حرف را میزنیم نه آن جا که مولا و عبدی مطرح نباشد.

حال سوال این است که افرض به اینکه آیه عمومیت دارد تعلیلش. و افرض به اینکه جهالت به معنای عدم علم است، سوال این است که چه می کنید با آیه؟ از یک طرف خبر عادل به جهت مفهوم شرط تبین نمی خواهد، و از یک جهت تبین می خواهد چون تعلیل عام است.

محقق نائینی و به تبع ایشان مرحوم آقای خویی می فرمایند مفهوم حکومت دارد بر تعلیل. و مفهوم را میگیریم. تعلیل میگوید هر جا مُؤَمِن نداری، ملامت می شوی. اما مفهوم چه می گوید؟ مفهوم دلالت می کند بر اینکه خبر عادل حجت است و علم است. حکومت توسعه ایی. اگر این مفهوم را منکر بشوی، خبر واحد عادل حجت نیست چون مُؤَمن نداری. مفهوم توسعه می دهد دائره علم را و میگوید آنجا که خود شارع بگوید، مؤَمن داری.

این می شود حکومت صدر الایة بمفهومها علی ذیل الآیه بتعلیلها. تا ان شاء الله ادامه بحث در جلسه آتی.

و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین.